

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.315983.2659>

Abstract:

Repentance as one of the merciful institutions in Islamic criminal law can have the function of impunity in customary criminal law. Recognition of this Islamic establishment in the criminal law of the subject causes the penal system on the one hand to have a justifiable case for cases in which the offender has repented and his correction is proven to fall punishment or grant a reduction of punishment and on the other hand according to Criteria of repentance, the limits and limits of which determine the legislative policy in order to reduce the punishment to be safe from adopting fragmented and discretionary approaches. Findings arising from the issues mentioned in this study indicate that the legislator in the application of legal changes in sexual crimes has to some extent distanced itself from the principles and foundations of jurisprudence and these changes are often affected by the requirements of time and place, prohibition from religion. And have been human rights considerations. Our claim is that the legislator in drafting some regulations regarding these crimes not only did not follow the opinion of the famous jurists, but also attempted to criminalize and consider the most severe punishment (execution) for some behaviors that have no jurisprudential background and It also had no validity. Therefore, it can be said that the developments in some cases are not in line with the principles of criminology and have not been done on the basis of principles and principles.

نسبت سنجی، موضوع شناسی تقنینی و روبه ای در توبه از زناى به عنف در حقوق ایران، ترکیه و مصر

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵

امیر هوشنگ فتحی^۱

سید حسین هاشمی^۲

شهرداد دارابی^۳

چکیده

توبه به مثابه یکی از تأسیسات ارفاقی در حقوق جزای اسلامی می تواند واجد کارکرد کیفر زدایی در حقوق جزای عرفی باشد. به رسمیت شناختن این تأسیس اسلامی در حقوق جزای موضوعه موجب می گردد تا نظام کیفری از یک سو محمل موجهی را برای مواردی که مجرم نادم گردیده و اصلاح وی محرز می باشد جهت سقوط کیفر یا اعطاء تخفیف مجازات دارا باشد و از سوی دیگر با توجه به ضوابط توبه که حدود و ثغور آن رامشخص میسازد سیاست تقنینی در جهات سقوط مجازات از اتخاذ رویکردهای متشدد و صلاحدیدى مصون بماند. یافته ناشی از مباحث گفته شده در این پژوهش، حاکی از آن است که مقنن در اعمال تحولات قانونی در باب جرایم جنسی تا حدودی از اصول و مبانی فقهی فاصله گرفته است و این تحولات غالباً متأثر از مقتضیات زمان و مکان، ممانعت از وهن به دین و ملاحظات حقوق بشری بوده است. مدعای ما بر این امر این است که قانونگذار در تدوین برخی مقررات در خصوص این دسته از جرایم نه تنها از نظر مشهور فقها پیروی نکرده بلکه اقدام به جرم‌انگاری و در نظر گرفتن شدیدترین مجازات (اعدام) برای برخی رفتارها نموده است که هیچ پیشینه فقهی و روایی نیز نداشته است. بنابراین می توان گفت تحولات ایجاد شده در مواردی با مبانی جرم انگاری هماهنگی ندارد و بر اساس مبانی و اصول صورت پذیرفته است.

واژگان کلیدی: توبه، موازین فقه جزایی، سقوط مجازات، تخفیف مجازات، تظاهر به توبه

گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران^۱

گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه مفید قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)^۲

گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران^۳

(الندم احد التوبتين) سیاست تقنینی ایران در خصوص توبه واجد خصایص متشتت و البته فاقد ضابطه ای در سیر تطور قانونگذاری کیفری بوده است. توبه در جرایم مستوجب حد با مطمح نظر قراردادن صلاحدید حاکم شرع در برخی از جرایم توسط قانونگذار صراحتاً مقرر گردیده و به مثابه جهتی از جهات سقوط مجازات حدی لحاظ گردیده است، حال آنکه امر دایر مدار این پرسش بنیادین میباشد که آیا پذیرش تاسیس اسلامی توبه توسط مقنن کیفری از حیث رفع اثر از وصف مجرمانه است. بدین توضیح که پس از توبه گویی که اساساً مرتکب، جرمی را انجام نداده است و در واقع این نگرش در پرتو روایات متعدد فقهی است که دال بر این مضمون متعالی میباشد که التائب من الذنب کمن لا ذنب له» و یا آنکه توبه صرفاً امکان مجازات نمودن مرتکب را به عنوان اثر وضعی فعل ارتكابی منتفی می سازد بدون آنکه از رفتار مجرمانه نسبت به مرتکب ضرورتاً وصف زدایی به عمل آید. بدین سان قانونگذار با اتخاذ رویه فاقد ضابطه مندی و انسجام و با تأسی از نصوص فقه جزایی در برخی جرائم قائل به ترتب اثر بر توبه بزهکار گردیده است و در برخی دیگر امکان تاثیرگذاری توبه مرتکب را مسکوت گذارده است. از سوی دیگر در جرائم تعزیری بالاخص در برخی از مصادیق جرائم علیه امنیت موضوع مواد ۴۹۸ الی ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی و بعضاً در برخی دیگر از جرائم تعزیری بدون ارائه و اتخاذ معیاری واحد و نیز بدون احصاء، شرایطی که جهت احراز توبه مقام قضایی باید به آنها تمسک و استناد نماید به گونه ای موسع در این حوزه از جرائم نیز به پذیرش توبه روی آورده است. بدین ترتیب در قانون جدید قانون مجازات اسلامی بار دیگر رویکرد مقنن کیفری در قبال تاسیس اسلامی توبه مورد بازنگری واقع گردیده و در طیف گسترده تری از جرائم، امکان استناد به توبه مورد پذیرش قرار گرفته است. لیکن همچنان نگرش مقنن در قبال نحوه احراز توبه مضیق بوده و به تبیین مولفه هایی که میتواند مستند و مستدل توبه بزهکار قرار گیرد پرداخته نشده است. با این حال قانون جدید به طور کلی نیز امر را همانند سابقه تقنینی موجود مسکوت نهاده است. لذا نگارنده بر آن است تا از رهگذر بررسی مبانی اتخاذ توبه در موازین فقه جزایی و آسیب شناسی نحوه نگرش قانونگذار کیفری در مقرر نمودن توبه در خصوص مصادیقی از جرائم، الگویی نظاممند و مبتنی بر ملاکهای قدر متیقنی منصوص در موازین فقهی از این تاسیس ارزشمند اسلامی ارائه و راهکارهای بازنگری و بازاندیشی مقنن در این راستا را تبیین و تشریح نماید.

۱- مفهوم شناسی

۱-۱ مفهوم لغوی

توبه از ماده «توب» به معنای «رجع»، بازگشت است. صاحب مقائیس اللغه می نویسد: «توب، التاء و الواو و الباء کلمه واحده تدل الی رجوع، يقال تاب من ذنبه، ای رجع عنه، یتوب الی الله توبه و متاباً». در لسان العرب آمده است: «التوبه الرجوع من الذنب... و تاب الی الله یتوب توباً متاباً انا و رجع عن المعصیه الی الطاعة... و تاب الله علیه و فقه لها والله تواب یتوب علی عبده» (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۶۱). توبه از ریشه «ت و ب» در لغت به معنای بازگشت یا بازگشت از گناه است (ابن فارس، ۱۴۱۱: ۳۵۷). برخی این تعریف را مقید به رجوع از گناه کرده اند. راغب در مفردات می نویسد: «توبه یعنی ترک گناه به بهترین وجه آن، و آن رساترین و گویاترین شکل از صورت های پوزش است». (اصفهان، ۱۴۱۶: ۱۶۹). حرف «ه» در انتهاب واژه توبه را برخی برای تأیث مصدر و برخی علامت وحدت دانسته اند که بر این اساس، توبه به معنای یک بار بازگشت (حداد عادل،

۱۳۳۶

۱۳۸۳: ۳۶۷) و جمع آن «التوب» است (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۳۵۷). اما بهتر آن است توبه را به معنای مطلق مطلق رجوع و بازگشت دانست (خطیب کرمانی، ۱۳۶۲: ۱۴). حرف «الی» مرجع بازگشت را تعیین می‌کند.

۱-۱-۱ مفهوم اصطلاحی

مرحوم محقق اردبیلی در کتاب مجمع الفائده و البرهان فی شرح الارشاد الذهان می‌فرماید: «التوبه هی الندامه و العزم علی الفعل لكون الذنب قبيحا ممنوعا و إمتثالا لامر الله و لم یکن غیر ذالک مقصوداً». از تعریف فوق، دو نکته استفاده می‌شود:

۱. پشتیبانی و ندامت، توبه است؛ ۲. عدم الفعل (ترک گناه) به خاطر قبح شرعی آن باشد. در توضیح این نکته باید گفت: که «عدم الفعل»، گاهی به خاطر عدم توانایی بر انجام آن است و زمانی به خاطر ممنوع و قبیح بودن آن است؛ از این رو، مجرد «عدم فعل» توبه نیست؛ مثلاً کسی در اثر ارتکاب فعل زنا مبتلا به بیماری‌هایی شود که مانع تولید مثل و فرزنددار شدن او می‌شود، حال اگر وی به خاطر فرزنددار نشدن، از عمل ارتکابی خود پشیمان شود، این پشیمانی توبه نیست؛ زیرا پشیمانی او به خاطر قبح شرعی عمل نمی‌باشد. اکنون سوء الی که در اینجا مطرح می‌شود این است که اگر امکان ارتکاب گناه برای شخص نباشد و او در این حال توبه نماید، آیا توبه وی محقق و پذیرفته می‌شود؟ در پاسخ باید گفت: اگر شخص مرتکب بپذیرد که معصیت الهی را کرده است، به طوری که اگر قادر بر انجام آن نیز بود، دیگر مرتکب آن نمی‌گردید، در این صورت توبه اش پذیرفته خواهد شد.

۱-۱-۳ مفهوم لغوی زنا

زنا در لغت به موافقه مرد با زنی به جز همسر دائمی یا موقت او گفته می‌شود. منظور از عنف نیز قهر و غلبه است که در آن عنصر عدم رضایت فرد آشکار است.

۱-۱-۴ مفهوم اصطلاحی زنا

زنا به عنف از چشم‌انداز اصطلاحی عبارت از این است که مرد با زنی که رابطه نکاح خواه دائم و خواه موقت با وی ندارد بدون رضایت وی نزدیکی کند. در کتب فقهی شرایطی را برای تحقق این نزدیکی و در نتیجه ارتکاب جرم زنا برشمرده‌اند.

به طور کلی زنا به عنوان جرمی جنسی به دو دسته زنا ی طرفینی یا با رضایت و یا زنا ی به عنف تقسیم می‌شود. دسته اول که در شمار جرائم بدون بزه‌دیده جای می‌گیرد به محکومیت هر دو طرف زن و مرد می‌انجامد.

برای قاضی در ارتباط با مساله توبه مجرم چند حالت قابل تصور است:

الف) اینکه قاضی علم پیدا می‌کند و متعلق علم او یا وقوع توبه است یا عدم آن، فقها در مورد حصول علم برای قاضی چنین بیان داشته‌اند: جایز است قاضی بدون بینه، اقرار یا قسم، در حقوق الناس، بر طبق علمش عمل کند (خمینی، ۱۳۷۹: ۸۲۶).

ب) اینکه قاضی نسبت به ادعای مرتکب منبئ بر توبه، ظن به تحقق یا عدم آن پیدا می‌کند.

ج) قاضی در حالت شک و تردید نسبت به توبه ادعایی قرار می‌گیرد، در حالی که بینه یا قرینه دیگری قابل تحصیل نیست. در دو حالت اخیر قواعدی اصولی وجود دارد که قاضی با اعمال آنها می‌تواند راهی برای رهایی از بلا تکلیفی بیابد. لازم است ذکر شود در فرضی که قاضی ظن به علم تحقق توبه دارد، چون ظن حادث شده از جمله ظنون خاص نیست که به استناد ادله شرعی و عقلی معتبر باشد چنین ظنی را نمی‌تواند زایل کننده اثر توبه ادعایی مرتکب تلقی کرد و قائل به عدم تحقق توبه شد. همچنین در موردی که قاضی ظن به تحقق توبه پیدا می‌کند. مجرای استصحاب عدم توبه نیست، بلکه چون توبه از اموری است که: «لا یعلم الا من قبله» یعنی تنها از طرف تائب معلوم می‌گردد، اگر مجرمی ادعای توبه کند و قاضی یقین به کذب او نداشته باشد، مجرای اعمال قواعدی اصولی چون قاعده درا و اصاله الصحه می‌باشد (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۵: ۱۳۵).

۲-۱ احراز توبه و ارتباط آن با قاعده درأ

از دیگر قواعد مهم حقوق اسلامی، قاعده «تدرأ الحدود بالشبهات» می‌باشد که دارای آثار علمی فراوان است. در کتب فقهی، موارد متعددی وجود دارد که فقها هنگام عروض شبهه، با عبارت معمول «هذه من الشبه الدرأه» بر اعمال قاعده مذکور تأکید کرده و از اجرای «حد» صرف نظر کرده اند. کیفیت تمسک به قاعده مذکور در ارتباط با توبه، به این نحو است که صرف عارض شدن شبهه بر قاضی، باعث سقوط مجازات می‌گردد؛ یعنی به هیچ وجه، احراز قطعی توبه مراد نیست. علاوه بر این، عروض شبهه توبه بر قاضی نمی‌تواند مجالی برای تمسک به استصحاب عدم التوبه باشد، چرا که موضوع قاعده درأ مجرد حدوث شک و شبهه است، به خلاف استصحاب که اثر، مترتب بر نفس مشکوک فیه است، نه بر نفس شک. بنابراین به مجرد حدوث شک، موضوع قاعده فعلیت می‌یابد و نوبت به جریان استصحاب عدمی نمی‌رسد، چرا که استصحاب، ناظر بر تنزیل مشکوک فیه به منزله متقین است و این معنا، متاخر از نفس شک و شبهه می‌باشد، اما فعلیت موضوع قاعده در رتبه خود شک است (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶: ۸).

۲-۲ توبه از زنا

از بزرگ ترین گناهان زناست که شارع مقدس برای آن مجازات سنگین در نظر گرفته است. حال اگر شخص زانی توبه کند، احکام تغییر می‌یابد. از این رو ما در سه قسمت آن را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم:

۲-۲-۱ توبه زانی قبل از شهادت شهود

اگر شخصی که مرتکب عمل زنا گردیده قبل از اثبات آن در محکمه، توبه نماید، مشهور فقهای امامیه بر این عقیده اند که حد از او ساقط می گردد (خویی، ۱۴۲۲: ۱۸۵).

البته در این مسئله دو تن از فقها (آیت الله خویی و آیت الله تبریزی) با تردید در ادله قول مشهور، نظر مخالف دارند. این دو بزرگوار معتقدند که جز در حد سرقت و محاربه که اینک باید ادله مشهور فقها بررسی شود. آنان به چند دلیل تمسک کردند، که عمده آنها روایات است:

الف) روایات: قایلان به سقوط حد زنا با توبه، به روایاتی تمسک کرده اند که اشاره می شود:

مرسله جمیل ابن دراج: جمیل ابن دراج عن رجل عن احدهما فی رجل سرق او شرب الخمر او زنا، فلم يعلم ذلك منه ولم یؤخذ حتی تاب و اصلح، فقال: اذا اصلح و عرف منه امر جمیل لم یقم علیه الحد؛ جمیل بن دراج از مردی و او از امام باقر و یا امام صادق نقل می کند که درباره شخصی سوال شد که دزدی کرده یا جرم اثبات نمی شود و او دستگیر نمی گردد تا این که توبه می کند و شراب خورده و یا زنا کرده است، ولی این کار می شود، حکم او چیست؟ حضرت در پاسخ می فرماید: هرگاه عمل صالحی انجام دهد و شخص صالحی شایسته ای از او سر بزند، حد بر او جاری نمی شود (طاهری، ۱۳۸۹: ۹ و ۱۰).

این روایت به صراحت دلالت دارد که اگر کسی مرتکب زنا یا سرقت و یا شرب خمر شود و جرم وی ثابت نشود و دستگیر نگردد و توبه کند، حد بر او جاری نمی شود. با الغای خصوصیت از این روایت می توان نتیجه گرفت که توبه قبل از اثبات هر حد، باعث سقوط آن می شود (کریمی جهرمی، ۱۴۱۴: ۶۳).

۲-۲-۲ توبه زانی بعد از شهادت شهود

اگر شخص زناکار پس از شهادت شهود توبه کند، آیا حد زنا از او ساقط می شود یا این که هیچ اثری بر توبه او مترتب نمی گردد؟ مشهور فقها بر این عقیده اند که اگر توبه زناکار بعد از شهادت شهود باشد، حد از او ساقط نمی گردد (نجفی، ۱۳۶۳: ۳۰۸). هر چند که بعضی از فقها الزامی در اجرای حد نمی بینند، بلکه امام را در اجرا و عفو مخیر می دانند. مشهور به روایات و استصحاب، استدلال کرده اند.

۱. اطلاق معتبره طلحه بن زید: در این روایت امیر مؤمنان (ع) می فرماید: «اذا قامت البینه فلیس للامام ان یعفو؛ اگر شهود شهادت دهند، امام حق عفو ندارد.» به اطلاق این روایت چنین استناد شده است که روایت نسبت به اینکه محرم پس از بینه توبه کند یا نه، مطلق است و در نتیجه حد باید اجرا گردد.

۲. مرسله ابوبصیر: ابوبصیر از امام صادق (ع) درباره مردی سوال می کند که شهود بر ضد وی به ارتکاب زنا شهادت داده اند و او پیش از اجرای حد، فرار کرده است. امام صادق (ع) فرمود: «ان تاب فما علیه شیء و ان وقع فی ید الامام اقام علیه الحد وان علم مکانه بعث الیه» چگونگی استناد به این مرسله چنین است: اگر شخص توبه کند، توبه اش در واقع مقبول است؛ ولی اگر دستگیر شود، حد بر او جاری می شود. یعنی توبه او، که پس از شهادت شهود واقع شده است، در واقع قبول می شود، ولی در ظاهر قبول نمی شود و باید حد بر وی جاری شود (طاهری، ۱۳۸۹: ۱۳).

۳. اطلاق روایت «فرار از گودال رجم»: یکی از روایات، صحیح‌ه حسین بن خالد از امام کاظم (ع) است. حسین بن خالد قال: قلت لابی‌الحسین علیه‌السلام: اخبرنی عن المحصن اذا هو هرب من الحفیره هل یرد حتی یقام علیه الحد؟ فقال: یرد ولا یرد، فقلت: وکیف ذاک؟ فقال: إن کان هو المقر علی نفسه ثم هرب من الحفیره بعد ما یصیبه شیء من الحجارة لم یرد و ان کان انما قامت علیه البینه و هو یجحد ثم هرب رد و هو صاغر حتی یقام علیه الحد؛ حسین بن خالد می‌گوید: از امام کاظم (ع) سوال کردم، اگر زانی محصن از گودالی که او را در آنجا سنگسار می‌کنند، بگریزد آیا برای اجرای حد باید بازگردانده شود؟ حضرت فرمود: هم برگردانده می‌شود و هم نمی‌شود. گفتم چگونه؟ فرمود: اگر خودش اقرار به زنا کرده و پس از آن سنگی به وی اصابت کرده، گریخته است، بازگردانده نمی‌شود؛ اما اگر بینه بر جرم وی شهادت داده است و او بینه را انکار کرده و در هنگام اجرای حد فرار کند با خواری و ذلت بازگردانده می‌شود تا حد بر وی جاری گردد» به این روایت چنین استناد شده است که اگر محکوم به سنگسار از گودال فرار کند، در صورتی که جرمش به بینه ثابت شده باشد، برای اجرای سنگسار به گودال برگردانده می‌شود. حال مقتضای اطلاق این روایات این است که رجم باید اجرا شود (طباطبائی، ۱۴۲۲: ۴۴۶).

۳-نقش توبه در سقوط مجازات

۳-۱ بررسی ادله فقهی حنفی توبه

لازم به ذکر است که به عنوان نمونه به ادله شرعی که باعث سقوط مجازات در فقه حنفی می‌شود به استناد روایات معصومین می‌باشد.

حنفی بیان می‌دارد که در کلام معصومان (ع) نیز از توبه و استغفار بسیار صحبت به میان آمده است. در اینجا فقط به چند نمونه از روایاتی که صراحتاً سقوط مجازات را بیان می‌کنند اشاره می‌کنیم.

۱- معتبره طلحه بن زید به نقل از امام جعفر (ع) امام فرمودند: «حدثنی بعض اهلی ان شابا اتی الی امیرالمومنین (ع) فافر عنده بالسرقه قال: فقال له علی (ع): انی اراک شابا لا باس بهتک فهل تقرا شیئا من القرآن؟ قال: نعم، سوره، البقره، فقال: قد وهبت یدک لسوره البقره. قال: و انما منعه ان یقطعه لانه لم یقم علیه بینه» (حر عاملی، ۱۴۰۳).

در ادامه دارد که امیرالمومنین وی را عفو کردند و دلیل عفو را توبه سارق عنوان کردند.

۲- روایت جمیل از امام باقر یا صادق (ع)، در مورد مردی که سرقت کرده یا شراب نوشیده و یا زنا کرده است. از حضرت سوال شد که اگر کسی بر او آگاه نیابد و او دستگیره هم نشود و توبه کند، آیا اصلاح می‌شود؟ امام فرمودند: «اذا صلح و عرف منه امر جمیل لم یقم علیه الحد...» (حر عاملی، ۱۴۰۳). با توجه به این آیات و روایت فرض بر این است که تائب، اصلا گناهی مرتکب نشده است. امام باقر (ع) در روایتی می‌فرمایند: «التائب من الذنب کمن لا ذنب له» (حر عاملی، ۱۴۰۳: ۳۵۹). به صراحت در متون اسلامی حنفی (آیات و روایت) از توبه به عنوان زایل کننده گناهان و تبدیل کننده سیئات به حسنات نام برده شده است. یکی از آثار بارز نمود خارجی توبه این است که عدالت از دست رفته با توبه برمی‌گردد، چون توبه آثار گناه را نابود می‌کند. نفس انسان را از آلودگی پاکیزه می‌سازد و دلها را به حالت پیش از گناه برمی‌گرداند، در نتیجه عدالت از دست رفته بازگشت می‌کند. علامه حائری (ره) در این باره می‌گوید: «نعم لو تاب بمعنی انه ندم و بنی علی عدم العود الی المخالفه، یعود وصف العداله» (حائری، ۱۴۰۴: ۵۱۶).

در فقه حنفی بیان می‌شود که توبه را «بازگشتن از بیراهی و آمدن باز راه» می‌باشد (غزالی، ۱۳۱۹: ۷۵۳) و مراد از آن رجوع و بازگشت است از جرم عصیان به سوی طاعت و فرمانبری عالمان اخلاق مقصود از توبه را «بازگشت به خدا با خالی ساختن دل از معصیت و رجوع از دوری درگاه الهی قرب و نزدیکی» ذکر کردند. برخی فقیهان حنفی حقیقت توبه را ندامت بر گذشته به سبب قبح آن و عزم بر اجتناب از مانند آن در آینده دانسته و برخی با توجه به اثر آن در تعریف توبه آوردند که آن نامی است برای فعلی که زایل کننده کیفر و رفع کننده مذهب و اهانت از مستحق آن است. توبه در فقه حنفی اصلاح و نوسازگاری داوطلبانه است که مبتنی بر معرفت نسبت به زشتی جرم و آگاهی بر لزوم حرکت در مسیر کمال و قرب الهی و نیز ندامت ناشی از آن معرفت، همراه با عزم بر احتراز از زشتی‌ها و اجتناب از تکرار جرم است. بنابراین توبه واجد سه عنصر اصلی معرفت، ندامت و عزم و اراده است که یکی به گذشته، دیگری به حال و سومی به آینده مربوط است زیرا اصلاح اختیاری، ممکن نیست مگر به وقوف بر دو معرفت: اول آنکه بزهکار بر زشتی رفتار مجرمانه سابق، علم یافته آن را شر و نامطلوب انگارد و دیگر آنکه بر حقیقت کمال معنوی آگاه شده، بدان مشتاق گردد. معرفت، شرط اساسی در تربیت اصولی بزهکار است چرا که هرگونه تلاش به منظور اصلاح رفتار بزهکار، بی‌آنکه مسبوق بر معرفت و نسبت به زشتی رفتار مجرمانه باشد بی‌تردید محکوم به شکست است. لذا مجرم باید بر بطلان و انحراف رفتار سابق عارف و بر خیر و راستی مسیری که انتخاب کرده است اطمینان یابد (صادقی، ۱۳۹۲: ۱۵۴ و ۱۵۵).

۳-۳ برآیندهای کیفری توبه در فقه حنفی

۳-۳-۱ توبه و عوامل موجهه جرم در فقه حنفی

و جوب توبه فوری است؛ زیرا اولاً توبه خطر گناه را دفع می‌نماید و حیات ابدی را از هر تهدیدی حفظ می‌کند و این هر دو، واجب فوری است. ثانیاً بنای توبه بر شناخت زیان گناهان، استوار است و این شناخت جزء ایمان و ایمان با جذب فوری است. کسی که گناهان را ترک نمی‌کند، نسبت به زیان گناهان بی‌ایمان است (سلیمانی میمند، ۱۳۹۴: ۳۷) آنچه که به عنوان قدر مسلم در عوامل توجیه کننده جرم در فقه حنفی، محرز است وجود شرایط فرعی برای توجیه و مشروعیت فعل ارتكابی در زمان ارتكاب است. یعنی عوامل ایجاد کننده فعل مسلماً در زمان وقوع و صدور فقط جاری بودند. به طوری که در فقه حنفی بیان می‌شود حالت دفاع مشروع یا ضرورت یا امر امر قانونی و حتی رضایت مجنی موجبات موجهه برای جرم از قبل حادثه و حاکم بوده است در حالی که مکانیزم تأثیر توبه در فقه حنفی منصرف از شرایط مذکور است و شرایط نابرابر تأثیر در مجازات جرم، مسلماً بعد از وقوع جرم حاصل می‌گردد. ثانیاً با توجه به این که علل توجیه کننده است جرم کیفیات خارجی هستند در این رابطه حقوقدانان عوامل مزیل عنصر قانونی جرم را به سه دسته تقسیم بندی می‌کنند ۱- عللی که به شخص مرتکب جرم مربوط می‌شود و جنبه شخصی دارد (مانند صغر سن و اجبار...) و به عوامل رافع مسئولیت کیفری موسومند (محسنی دهکلائی، ۱۳۸۴: ۱۳۴). فقه حنفی برای توبه نفس ارتكابی ارجاع می‌دهد به طوری که بیان می‌دارد در نفس فعل ارتكابی هستند به عبارت دیگر عامل رافع مسئولیت از قبیل جنون صغر، اجبار و حتی علل نسبی رافع مسئولیت (در کلیه مواردی که مسئولیت جزایی با عللی که زایل کننده آن هستند زیر سوال قرار می‌گیرد، مجرم قابل مجازات نخواهد بود، تنها باید به این نکته توجه

داشت که علل رافع مسئولیت گناه به طور کامل مسئولیت جزایی را از بین می‌برد و گناه فاقد آن چنان نیرویی هستند که زایل کننده تام مسئولیت جزایی باشند، (نوربها، ۱۳۸۰: ۴۸۵ و ۳۳۰) مانند خواب یا اشتباه (در مورد اشتباه، اختلاف است گروهی آن را جزو عوامل تام رافع مسئولیت می‌دانند دکتر ولیدی معتقد است «عناوین قانونی که وجود آنها به طور کامل باعث عدم مسئولیت جزایی مجرم می‌شود عبارتند از کودکی، جنون، اجبار، اکراه، کودنی و اشتباه (افراسیابی، ۱۳۷۷: ۱۵۳)، اما برخی آن را جز عوامل نسبی آورده اند» با این همه تأثیر اشتباه در میزان تقصیر بر حسب آن که متهم به دلیل جهل به حرمت و یا حلیت فعل ارتكابی مشتبه باشد و یا در ماهیت و یا اوصاف فعل مذکور به اشتباه دچار شده باشد یکسان نیست، (اردبیلی، ۱۳۷۷: ۹۶).

۳-۳-۲ توبه و عذرهای معاف کننده در فقه حنفی

عذرهای معاف کننده در فقه حنفی در توبه نوعی از اسباب و عوامل معافیت از مجازات است که بنا به فوائد اجتماعی و اعمال سیاست های تعیین شده (اردبیلی، ۱۳۷۷: ۲۰۰) در امور کیفری که اختصاص و جرایم تصریحی قانونگذار دارد موجب معافیت بزهکار از مجازات می‌شود (ولیدی، ۱۳۷۵: ۱۱۹) و این معاذیر در صورت احراز، دادگاه نمی‌تواند بی‌ثمر و بدون تأثیر گذاشته شوند. نفوذ الزامی آنها مفروض قانونی است (صانعی، ۱۳۷۶: ۱۱۹) و معاذیر معاف کننده از این جهت با نهاد توبه در فقه حنفی حداقل در مرحله پیش از اثبات جرم همگن می‌باشد. با این تفاوت که این معاذیر هرچند همانند توبه ممکن است به زوال کامل مجازات بینجامد (مانند عضو تحریک موضوع ماده ۶۳۰ ق. م. ا [جرح و قتل در فراموشی]) ولی این معاذیر، چه بسا در زمان قبل از وقوع جرم (مانند عذر همکار مفهوم قسمت اخیر ماده ۵۰۷ ق. م. ا [اطلاع از قصد جنایت به مأموران]) و یا در حین وقوع جرم وجود داشته باشند، بر خلاف توبه که حصول آن قبل از وقوع یا در حین وقوع نمی‌تواند محمولی بر تصور فرضش وجود داشته باشد (محسنی دهکلانی، ۱۳۸۴: ۱۳۸). اگرچه در فقه حنفی تحقق آثار ثبوتی توبه و بعضی آثار اثباتی آن چون پذیرش شهادت وی مورد قبول همگان است (شیری، ۱۳۷۲: ۹۶) حتی اگر در این فرض قول خلاف شهود مبنی بر تبخیر امام و حاکم در پذیرش یا رد توبه بعد از اقامه شهود را بپذیریم نتیجه اش همانند توبه بعد از اقرار خواهد بود که به اتفاق آراء فقها معتقدند، توبه بعد از اقرار به تنهایی مسقط حد نیست بلکه این توبه می‌تواند سبب عفو امام شود این عفو حاکم که موجب اسقاط کیفر خواهد شد. و قاضی در صورت صلاحیت وی را از تحمل مجازات معاف خواهد کرد (شیری، ۱۳۷۲: ۹۴).

۳-۳-۳ تأثیر توبه در معافیت در فقه حنفی

به نظر می‌رسد دیدگاه فقهی حنفی معافیت توبه کننده از مجازات، در راستای هدف غایی مجازات یعنی اصلاح و تربیت مجرم است؛ زیرا تکرار لفظ توبه و مشتقات آن در قرآن کریم بیش از ۱۰۰ مرتبه و ترغیب و تشویق مردم به توبه و اصلاح عمل، به گونه ای بعد از هر جرمی بلافاصله ذکری از توبه به میان آمده، دلیل بر تأیید این نظریه است. خداوند در آخرت به دلیل توبه، گناه را می‌بخشد و عذاب نمی‌کند: «وَأُولَئِكَ لَعَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى» (طه، ۸۲) «و بی گمان من (خداوند) برای کسی که توبه کند و ایمان آورد و کار شایسته انجام دهد، پس (بر طریق) هدایت (استقامت) یابد، آمرزنده ام». اگر چه توبه یک امر باطنی و معامله ای درون است که شخص خاطی با خدا دارد، اما وجود آیات مختلفی مبنی بر پذیرش توبه بعد از بیان مجازات جرایم مختلف خود دلیل دیگری بر اعتبار توبه به عنوان عامل ساقط کننده مجازات در دنیا است. خداوند به کفار و مشرکان وعده قبول توبه و بخشش گناهان می‌دهد و می‌فرماید: «قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَتُوبُوا يُعْفَر لَهُمْ مِمَّا قَدْ سَلَفَ»، (انفال، ۳۸) این در حالی است که آن‌ها مرتکب گناهان کبیره و از جمله شرک که اکبر کبائر است، شده اند. اگر قرار است مواخذه و

مجازات‌ها در کار باشد، نباید این افراد از مجازات‌های یابند و توبه کنند و مغفرت الهی شامل حال آن‌ها شود؛ پس وقتی خداوند وعده فرموده که شرک و معاصی کفار را با توبه می‌بخشد، به طریق اولی اگر مسلمانی مرتکب جرمی (حدی یا غیر حدی) شود که هرگز که قبح آن به شرک نمی‌رسد و توبه کند، خداوند توبه وی را می‌پذیرد و مجازات وی در دنیا نیز ساقط می‌شود. البته قائل شدن به این نظر، روزنه‌ای برای اعمال نکردن مجازات‌ها و تعطیلی حدود و نیز فرار مجرمان نیست؛ زیرا بر این باور نیستیم که دادرسی و سنجش توبه و احراز آن را ندارد، بلکه اگر توبه را عاملی برای غرق شدن در ورطه جرم و فرار از عدالت بداند، می‌تواند توبه ادعا شده را نپذیرد و به آن توجهی نکند (طاهری و امینی، ۱۳۹۳: ۱۸). گروهی از فقیهان حنفی احراز توبه در موارد تردید را ضروری می‌دانند. به استناد قاعده مشهور «ادءوا الحدود بالشبهات»، وجود شک و تردید در صحت ادعای توبه، خود می‌تواند مسقط مجازات حدی باشد. در صورتی که مجرم برای نخستین بار محاکمه شود، توبه در صورت احراز شرایط و ارکان آن به معافیت از مجازات منتهی می‌شود، (طاهری و امینی، ۱۳۹۳: ۲۱ و ۲۲).

۴- چگونگی اثبات توبه و چالش‌های تظاهر به توبه از زنا به عنف

ماده ۱۱۶ قانون مجازات اسلامی هم به صراحت مقرر می‌دارد: «... حد قذف ... با توبه ساقط نمی‌گردد.» در قانون مجازات سابق هم مجازات قذف با توبه قابل اسقاط نبود.

جرم محاربه نیز دیگر جرمی است که از شمول صدر ماده مستثنی شده است. ماده ۱۱۶ قانون مجازات اسلامی هم در این زمینه بیان داشته است که: «... محاربه با توبه ساقط نمی‌گردد.» لکن در ادامه در تبصره همین ماده شرایط تأثیر توبه در این جرم نیز مشخص شده است که ما در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

مطابق با ماده ۱۱۴، صرف توبه متهم قبل از ثبوت جرم موجب سقوط مجازات نمی‌شود؛ بلکه علاوه بر آن، ندامت و اصلاح وی نیز باید برای قاضی محرز گردد. با توجه به این که بررسی این مسأله تا حدود زیادی مرتبط با مقررات آیین دادرسی می‌باشد، بررسی آن را به قسمت دوم موكول می‌کنیم.

در تبصره ۱ ماده ۱۱۴ آمده است: «توبه محارب قبل از دستگیری یا تسلط بر او موجب سقوط حد است.» این در حالی است که همانطور که پیش از این گفته شد ماده ۱۱۶ به صراحت بیان می‌دارد که حد محاربه با توبه ساقط نمی‌گردد. اگرچه این ضد و نقیضی در قانون زیننده قانونگذار نیست؛ لکن به نظر می‌رسد، میتوان این دو مقرره را بدینگونه تفسیر نمود که حد محاربه به مانند سایر حدود و تعزیرات قابل اسقاط با توبه نیست و اسقاط آن به وسیله توبه شرایط خاص خود را دارد که در تبصره ۱ ماده ۱۱۴ آمده است.

در تبصره ۲ ماده ۱۱۴ مقرر شده است: «در زنا و لواط هرگاه جرم به عنف، اکراه و یا با اغفال بزه‌دیده انجام گیرد، مرتکب در صورت توبه و سقوط مجازات به شرح مندرج در این ماده به حبس یا شلاق تعزیری درجه شش یا هر دو آنها محکوم می‌شود.»

بنابراین هرگاه مرتکب با عنف، اکراه و یا با اغفال فردی با او زنا یا لواط کند و قبل از اثبات جرم توبه نماید و یا این که بعد از اقرار به جرم، توبه نماید و با درخواست قاضی، مقام رهبری وی را عفو نماید و بدین ترتیب حد از او ساقط گردد، به طور کلی از مجازات‌ها نخواهد شد بلکه به تعزیر مذکور در ماده محکوم می‌گردد.

ماده ۲۳۴ نیز بیان می‌دارد: «حد لواط برای فاعل، در صورت عنف، اکراه یا دارا بودن شرایط احسان، اعدام و در غیر این صورت صد ضربه شلاق است. حد لواط برای مفعول در هر صورت (وجود یا عدم احسان) اعدام است...»

از متن دو ماده مشخص است که قانونگذار از نظر فقهایی پیروی کرده است که اکراه در زنا و لواط را تنها در مورد فاعل امکانپذیر میدانند؛ لذا تبصره ۲ ماده ۱۱۴ در مورد مفعول جرایم زنا و لواط، سالبه به انتفای موضوع است.

۵- ماهیت زنا و به عنف در حقوق کیفری ترکیه

در حقوق کیفری ترکیه، تجاوز به مصونیت جنسی فرد مستلزم شکایت مجنی علیه است و در صورت تحقق زنا به مفهوم رایج در حقوق کیفری ایران، مجرم به حبس از هفت تا دوازده سال مواجه خواهد و در خصوص ارتکاب این جرم علیه همسر، آغاز تعقیب قانون به آن مستلزم به درخواست قانونی وی می‌باشد.

۵-۱ اعلل تشدید مجازات تجاوز جنسی از نظر قانون گذار ترکیه

راجع به توسل به زور و جبر حین ارتکاب جرم به نحوی که مجنی علیه قادر به مقاومت نباشد مجرم علاوه بر تشدید مجازات به مجازات در قالب آسیب تبهکارانه نیز محکوم می‌شود.

چنانچه به سبب تجاوز زوال سلامت جسمی و روحی فرد مجنی علیه محقق شود مجرم به حبس بیش از دو سال محکوم خواهد شد و در صورت مرگ نباتی مجنی علیه به موجب تجاوز تبهکار به حبس ابد بعلاوه یک روز محکوم می‌گردد.

مطابق ماده ۴۷ به حبس ابد بعلاوه یک روز مادامی که مجرم بمیرد ادامه دارد و تحت اقدامات تأمینی بالا همانظوری که در قانون و حکم آمده است اجرا می‌شود.

ماده ۱۰۳ از قانون کیفری ترکیه به ذکر مصادیق تجاوز جنسی نسبت به کودکان تا ۱۵ ساله اختصاص یافته است و در صورت تجاوز با توسل به جبر و تهدید و فریب و اغفال کودکان قوام گردد مجرم با تشدید مجازات مواجه می‌گردد.

۵-۲ جایگاه توبه و ندامت صادقانه در جرم زنا و به عنف در حقوق ترکیه

مطابق ماده ۵۱ قانون کیفری در ترکیه:

اجرای مجازات مقرر در خصوص فردی که به موجب ارتکاب جرم به دو سال حبس یا بیشتر محکوم می‌گردد ممکن است برای مدت معین یا نامعین به حالت تعلیق درآید حداکثر محدودیت این دوره راجع به افرادی که در هنگام ارتکاب جرم هجده سال دارند و یا شصت و پنج سال دارند، سه سال می‌باشد معهدا، به منظور آنکه دادگاه حکم تعلیق مجازات را صادر نماید.

الف) فرد نباید قبلاً به موجب جنایت عمدی به حبس بیش از سه سال محکوم شده باشد.

ب) دادگاه باید به این نتیجه دست یابد که براساس اصلاح و ندامت فرد مجرم در طول مدت محاکمه فرد جرم را تکرار نکند.

در بند ۷ از ماده ۵۱ مقرر گردیده است اگر مجرم در دوران تحقیق و بازرسی با نیت مجرمانه اعمال و یا تعهداتی که قاضی مقرر داشته علی‌رغم اخطار قاضی اجرا نکند، دادگاه ممکن است حکم اجرای مجازات تعلیقی را بصورت کلی یا جزئی را صادر نماید و بند ۸ از ماده پیش گفته نیز تأکید گردیده است اگر مجرم از قوانین پیروی کند یا در دوران تحقیق رفتار خوبی را داشته باشد بر این فرض استوارند که حکم اجرا شده است.

از دیگر اسباب سقوط یا کاهش مجازات در نظام کیفری ترکیه که می‌تواند منجر به بایگانی شدن دعوا یا فسخ، کاهش مجازات گردد.

مرگ متهم یا محکوم - عفو عمومی - مرور زمان می‌باشد که بالطبع تجاوز جنسی به عنف از این قواعد مستثنی نگردیده است. این در حالی است که در قانون کیفری ایران عفو و قواعد مرور زمان ناظر به جرائم تعزیری است. لکن در نهاد نو پا؛ یعنی توبه در نظام قضایی ایران با شرایطی توبه زانی به عنف مورد پذیرش واقع گردیده است.

پذیرش عفو مجرم اسباب سقوط مجازات حد (اعدام) و تبدیل مجازات حدی به حبس یا شلاق تعزیری درجه شش یا هر دوی آنها پیش بینی گردیده است.

۶- مصر

۱-۶ ماهیت زنای به عنف در قانون جزای مصر

با استنباط از قانون کیفری مصر هم اگر در جریان رسیدگی ثابت شود متهم اقدام مرتبیطی را انجام داده و یکی از شرایط زیر وجود داشته است، به طور قاطعانه فرض می‌شود که نه شاکی به رفتار مرتبط رضایت داشته است و نه متهم بر رضایت شاکی به آن رفتار معتقد بوده است. شرایط مزبور عبارتند از این که متهم اقدام به فریب شاکی نسبت به ماهیت یا اهداف رفتار مرتبط نماید و یا آن که از طریق جعل هویت کسی که برای شاکی شناخته شده می‌باشد، او را به رضایت دادن نسبت به رفتار مرتبط تحریک نماید. در صورت فقدان فریب یا تحریک و یا حتی عمدی نبودن آنها فروض موضوع این ماده در دسترس نخواهند بود (Jefferson, 2013: 534). در دعوی [Linekar 1995] متهم به زنای به عنف به جهت نزدیکی جنسی با شاکی، که یک فاحشه بود، به این جهت که وعده ی پرداخت پول به او داده و از این کار خودداری نموده بود، محکوم شد. اما دادگاه تجدید نظر تظاهر دروغین متهم را سبب ایراد خدشه در حقیقت رضایت شاکی تلقی ننموده چرا که معتقد بود این تظاهر دروغ صرفاً در جایی سبب تخدیش رضایت می‌شود که ناظر بر ماهیت رفتار یا شناخت طرف دیگر باشد (Allen, 2007:393).

۲-۶ تعلیق اجرای مجازات توبه از زنای به عنف و شرایط آن در جمهوری عربی مصر

در این بخش به بیان مواد ۵۵ تا ۵۹ از قانون جزای جمهوری عربی مصر خواهیم پرداخت. شرح این مواد به قرار زیر می‌باشد:

ماده ۵۵ - دادگاه می‌تواند در وقت صدور حکم مجازات زنای به عنف به جزای نقدی یا حبس که مدت آن از یکسال بیشتر نباشد در صورتی که تشخیص دهد که متهم به عللی از قبیل رفتار خوب قبلی مانند توبه از جرم ارتكابی یا حال، بعلت شرایط ارتكاب جرم، دیگر اعمال غیر قانونی و مجرمانه انجام نخواهد داد حکم به تعلیق و توقیف اجرای آن صادر کند و البته باید

اسباب و دلایل این توقیف اجرای حکم را در رای بیان کند و این توقیف اجرای حکم شامل هر مجازاتی اعم از مجازاتهای اصلی و تبعی و کلیه آثار مرتبت بر آن خواهد بود.

ماده ۵۶ - مدت تعلیق اجرای حکم سه سال است که از تاریخ صدور حکم نهایی شروع می‌شود الغاء تعلیق اجرای حکم در موارد زیر جایز است:

- اگر در مدت ایام تعلیق حکم برای محکوم علیه بخاطر ارتکاب جرمی قبل از تعلیق یا بعد از آن حکمی به محکومیت وی به حبس به بیشتر از یک ماه صادر شود.

- اگر در خلال مدت تعلیق معلوم شود حکمی قبل از تعلیق اجرای حکم بر محکومیت او به شرح بند قبلی صادر شده و دادگاه از آن بی اطلاع بوده است.

ماده ۵۷ - حکم به الغاء تعلیق اجرای حکم بنا بر تقاضای دادستان و بعد از دعوت به حضور محکوم علیه وسیله دادگاهی صادر می‌شود که آن را اعلام کرده است.

ماده ۵۸ - الغاء تعلیق اجرای حکم شامل اصل مجازات و تمام مجازاتهای تبعی جنایی و آثار و عوارض حکم مجازاتی می‌شود که اجرای آن تعلیق شده است.

ماده ۵۹ - اگر مدت تعلیق اجرای مجازات منقضی گردیده و در خلال مدت مقرر حکمی به الغاء آن صادر نشده باشد. دیگر آن حکم قابلیت اجرا ندارد و آن حکم کان لم یکن محسوب می‌شود.

نتیجه گیری

نکته قابل تامل در زمینه شمول مقررات توبه در محاکم قضایی ایران نسبت به سقوط یا تخفیف مجازات این که، قانون گذار اگرچه برای اعمال تأثیر توبه در مجازات های تعزیری اقدام به وضع قاعده کرده است، اما از سویی عدم امکان اعمال مقررات توبه در سقوط یا تخفیف مجازات های تعزیری منصوص و نیز سنگین تر بودن مجازات های تعزیری درجه یک تا پنج در صورت توبه مجرم نسبت به سقوط مجازات با توبه مرتکب جرم زنا و لواط به عنف یا اغفال یا اکراه بزه دیده قابل انتقاد به نظر می‌رسد. همچنین این موضوع حکایت گر عدم اتخاذ سیاست واحد قانون گذار در راستای اعمال مقررات توبه در مجازات های حدی و تعزیری است.

از حیث اثبات و احراز توبه در مرحله ی رسیدگی نیز عدم تعیین ملاک از سوی قانون گذار، به یقین اجرای مقررات مربوط به توبه را با مشکل مواجه می‌سازد؛ به علاوه موجب اختلاف رویه دادگاه ها در اعمال این مقررات خواهد شد. این مشکل آن جا نمود بیشتری پیدا خواهد کرد که برای تظاهر به توبه، ضمانت اجرا تعیین نموده است.

قانون گذار با پیش بینی عدم امکان سقوط یا تخفیف مجازات در فرض توبه مجرم در تکرار جرایم تعزیری گویا تحقق توبه در این فرض را غیر ممکن دانسته است! این در حالی است که برای مرتکب جرم حدی در صورت تکرار جرم یا ارتکاب جرم تعزیری پس از ارتکاب جرم حدی چنین فرضی را ممکن دانسته و ضمانت اجرایی تعیین نکرده است (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۴: ۲۶ و ۲۷).

در فقه امامیه و قانون ایران با توجه به نص صریح قرآن، توبه محارب «قبل از دستگیری» موجب سقوط مجازات می شود و این قید را میتوان به عنوان یک قاعده عمومی در همه ی حدود مورد استفاده قرار داد. این مطلب در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز مورد توجه قانون گذار قرار گرفته است تأثیر توبه از این حیث موجب معافیت از مجازات میشود، تنها در مورد مجازات است و جنبه های دیگر از جمله حقوقی که باید در غالب جبران خسارت یا رد مال به متضرر از جرم داده شود، از بین نمی رود به عبارت دیگر توبه تنها حق الله را ساقط می کند و حقوق مردم بایستی جبران شود.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. اردبیلی، محمد علی (۱۳۷۷). حقوق جزای عمومی، نشر میزان، چاپ اول. تهران: ج ۲.
۲. اسرافیلیان، رحیم (۱۳۸۰). جرایم قابل برگشت، تهران: میزان، ص ۱۰۲.
۳. افراسیابی، محمد اسماعیل (۱۳۷۷). حقوق جزای عمومی، انتشارات فردوسی، چاپ اول، تهران.
۴. امام خمینی، سید روح الله (۱۳۷۹). تحریر الوسیله. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی چاپ اول.
۵. حبیب زاده، محمد جعفر (۱۳۷۹). محاربه در حقوق کیفری ایران، آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس، ص ۱۳۷.
۶. حداد عادل، غلام علی (۱۳۸۳). دانشنامه جهان اسلام، جلد ۸، تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی، ص ۳۶۷.
۷. خطیب کرمانی، حسن (۱۳۶۲). ملخص به اهتمام سید علی دبیرسیاقی و غلامحسین یوسفی، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۱۴.
۸. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه، تهران: دانشگاه تهران، چاپ دوم، جلد ۶، ۸۷۸۵.
۹. صانعی، پرویز (۱۳۷۶). حقوق جزای عمومی، چاپ هفتم، تهران: گنج دانش.
۱۰. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی (۱۴۱۹). الصافی فی تفسیر القرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۱. القرضاوی، یوسف (۱۳۸۰). توبه، ترجمه احمد نعمتی، تهران: احسان، ص ۷۸.
۱۲. کلارکسون (۱۳۷۱). تحلیل مبانی حقوق جزا، ترجمه حسین میرمحمد صادقی، تهران، جهاد دانشگاهی شهید بهشتی.
۱۳. محمدی، ابوالحسن (۱۳۷۴). حقوق کیفری اسلام، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، صص ۳-۴.
۱۴. معلوف، لوئیس (۱۳۸۲). فرهنگ بزرگ جامع نوین، ترجمه احمد سیاح، تهران: اسلام، چاپ چهارم. ص ۱۲۰.

ب) منابع عربی

۱. ۹۵. الکاسانی، علاء الدین ابی بکرین مسعود (۱۴۲۴). بدایع الصنائع فی ترتیب الشرایع، جلد ۷، بیروت: دارالکتب العلمیه، ص ۹۶.

۲. ابن اخوه (۱۳۶۰). معالم القربه فی احکام الحسبه (آئین شهرداری) ترجمه جعفر شعار، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳. ابن حزم، محمد بن داود (۱۴۲۰). المحلی، تحقیق احمد محمد شاکر، دارالفنایس، ریاض، ص ۱۴
۴. ابن رشد، محمد بن احمد (۱۴۲۰). بدایه المجتهد و نهایه المقتصد، بیروت: دار ابن حزم، صص ۷۶۵.
۵. ابن فارس، حسین احمد (۱۴۱۱). معجم المقایس اللغه، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، دارالجیل، ص ۳۵۷.
۶. ابن قدامه، محمد بن عبدالله (۱۴۰۳). المغنی و الشرح الکبیر، جلد ۱۰، بیروت: دارالکتب العربی، ص ۳۱۵.
۷. ابن قیم الجوزیه، محمد بن ابی بکر (۱۴۰۸). مدارج السالکین، جلد ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ دوم، ص ۳۱۶.
۸. ابن قیم الجوزیه، محمد بن ابی بکر (۱۴۱۶). اعلام الموقعین، بیروت: دارالکتب العربی، ص ۱۱۲
۹. ابن منظور، جمال الدین محمود بن مکرم (۱۴۰۸). لسان العرب، جلد ۱، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ص ۳۵۷.
۱۰. بجنوردی، سید حسن (۱۴۱۹). القواعد الفقهیه، قم: نشر الهادی.
۱۱. حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۳). وسایل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۱۲. خویی، ابوالقاسم (۱۴۲۲). موسوعه امام خویی (مبانی تکلمه المنهاج)، قم: موسسه احیاء آثار امام خویی، چاپ اول.
۱۳. شانه چی، کاظم (۱۳۷۶). علم الحدیث و درایه الحدیث. قم: انتشارات اسلامی.
۱۴. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۷). المقنعه، چاپ چهارم، موسسه النشر الاسلامی، قم.

(ج) منابع انگلیسی

۱. Humpton, Jean (1995). The moral education theory of punishment from: Crime and punishment, by, Corr, michely, harwood, sterling, boston, jones and briett publishers.
۲. Allen, Michael, (2007), Criminal Law, Oxford, Oxford University Press, 9th Ed.
۳. Clarkson. C.M.V. (1987), Understanding Criminal Law, London, Fontana Press, 3th Ed.
۴. Elliott, Catherine & Quinn, Frances, (2014), Criminal Law, England, Pearson Education Limited, 10th Ed.
۵. Herring, Jonathan, (2012), Criminal Law: text, cases and materials, Oxford, Oxford University Press, 5th Ed. (2013 ,)

۶. "Mistaken Sex", Criminal Law Review, Available at: <http://ssm.com/abstract=1287130>.
۷. Jefferson. Michael, (2013), Criminal Law, Edinburgh, Person Education, Limited, 11th Ed.
۸. Graupner, Helmut, (2000), "Sexual Consent: The Criminal Law in Europe and Outside of Europe", Journal of Psychology & Human Sexuality, Vol. 29, Issue. 5.
۹. Martin, Jacqueline, (2014), Criminal Law: Key facts key cases, London, Routledge, 1st Ed.
۱۰. Storey, Tony (2015), Unlocking Criminal Law, New York, Routledge, 5th Ed.
۱۱. Naffine, Ngaire, (1994), "Possession: Erotic Love in the Law of Rape", The Modern Law Review, Vol. 57, Issue. 1.
۱۲. Padfield, Nicola, (2010), Criminal Law, Oxford University Press, 10th Ed.
۱۳. Scott, Jacqueline, (2010) "The concept of consent under the sexual offences act ۲۰۰۳", *Journal of Criminal Law and Criminology*, 91(3), 3.
۱۴. Wilson, William, (2011), Criminal Law: Doctrine and Theory, Edinburgh, Pearson Education Limited, 4th Ed.